

پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

تحلیل فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی کودک‌آزاری در محیط خانواده و تفکیک آن از تنبیه متعارف فرزندان در رویه قضایی

۱. جواد حاجیلو: دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران
۲. محمد امینی‌زاده*: استادیار، گروه حقوق، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. پست الکترونیک: m.amini@uk.ac.ir (نویسنده مسئول)
۳. امان‌الله علی‌مرادی: استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، کرمان، ایران
۴. باقر شاملو: دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

آرای متعددی در رویه قضایی والدین را به کودک‌آزاری به دلیل غیرمتعارف بودن محکوم کرده‌اند. هدف از پژوهش حاضر بررسی تنبیه کودکان از منظر فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی است که در چه صورتی تنبیه متعارف قلمداد می‌گردد و چه علل و عواملی در ارتکاب رفتارهای مجرمانه علیه کودکان وسط والدین نقش دارند. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی بود که نشان داد، تنبیه بدنی با کودک‌آزاری متفاوت است و باید مرز دقیقی جهت تفکیک این دو وجود داشته باشد. هر چند تنبیه والدین و سرپرستان تحت شرایطی قانونی بوده و از علل موجهه قانونی محسوب می‌شود ولی کودک‌آزاری در همه انواع خود مجرمانه بوده و ارتکاب آن توسط والدین و سرپرستان نیز مجازات دارد. لازم است با اصلاح قوانین و مقررات یا میزان متعارف بودن تنبیه و مرجع تشخیص آن مشخص گردد یا به طور کلی از حالت موجهه بودن خارج گردد تا مستمسکی برای کودک‌آزاری در خانواده نگردد. واژگان کلیدی: خانواده، والدین، کودک، تنبیه، کودک‌آزاری، مجازات.

حاجیلو، جواد، امینی‌زاده، محمد، علی‌مرادی، امان‌الله، و شاملو، باقر. (۱۴۰۲). تحلیل فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی کودک‌آزاری در محیط خانواده و تفکیک آن از تنبیه متعارف فرزندان در رویه قضایی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۵(۳)، ۶۹-۸۰.

© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



اصول و موازین حقوق کیفری با توجه به خصیصه وابستگی آن به نظم عمومی، اقتضا می‌کند که اصولاً ایراد هرگونه صدمه از ناحیه افراد نسبت به یکدیگر جرم شناخته شده و مجازات گردد. با این حال، در پاره‌ای موارد مقنن کیفری نمی‌تواند به ملاحظات ناظر به روابط خویشاوندی و خانوادگی بی‌اعتنا مانده و خود را از زیر بار این‌گونه مصالح به بهانه حفظ نظم و امنیت اجتماعی وا رها کند. از جمله این موارد که مقنن ایران، در قانون مجازات اسلامی وضع نموده، حق ایراد صدمات جسمی توسط والدین نسبت به فرزندان از رهگذر تأدیبات آنان در جهت حفظ مصالح آنان می‌باشد. در همین راستا با اندک تغییراتی نسبت به قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، بند (ت) ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌کند: «اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیبات یا حفاظت آن‌ها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیبات و محافظت باشد». در قانون جدید مجازات اسلامی در مواد دیگری نیز به حق تأدیبات والدین اشاره شده است. در ماده ۸۸ قانون ۱۳۹۲ از تحویل طفل به والدین برای تأدیبات به عنوان یکی از اقدامات تأمینی و تربیتی برای اصلاح کودکان زیر ۱۸ سال نام برده شده است. بر این اساس: «درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری شده‌اند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند: الف- تسلیم به والدین یا به اولیاء و یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیبات و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان... بدین ترتیب تنبیه از نوع بدنی بعنوان یکی از ابزارهای کیفری به منظور تربیت فرزندان (اطفال) پس از ارتکاب جرم، در سیستم کیفری ما پذیرفته شده است علاوه بر اینکه در مورد اطفال در صورت ارتکاب جرم، تنبیه به عنوان یکی از تدابیر تربیتی در نظر گرفته شده است، حق تنبیه اطفال برای ابوبین به منظور تأدیبات آنان حتی در مواردی که طفل قانوناً مرتکب جرم نشده باشد نیز منظور گردیده است (بند ت ماده ۱۵۸ ق.م.ا ۱۳۹۲).

با وجود اینکه تنبیه بدنی تحت شرایطی به عنوان یک اقدام موجه و حتی مجازات قانونی علیه اطفال در قوانین پیش‌بینی شده نباید با کودک‌آزاری مشتبه شود. کودک‌آزاری، از جمله مشکلات عمده بهداشتی و اجتماعی در تمام کشورهاست که متأثر از مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و برخی ویژگی‌های کودکان می‌باشد. سوء رفتار با کودک یک مشکل جهانی است که هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای پیشرفته مشاهده می‌شود. از نظر سازمان بهداشت جهانی، آسیب یا تهدید جسم و روان یا سعادت و رفاه و بهزیستی کودک توسط والدین یا افرادی که نسبت به او مسئولیت دارند و بهره‌کشی از افراد زیر ۱۸ سال کودک‌آزاری محسوب می‌شود. قرار گرفتن در یک محیط خانوادگی توأم با استرس یا در معرض خطر آزار و اذیت بودن می‌تواند مانع رشد جسمی و فکری کودک شود. محققان در پژوهشی عوامل موثر بر کودک‌آزاری در محیط خانواده را بررسی کرده‌اند.

با عنایت به موارد یاد شده در مورد تنبیه بدنی و کودک‌آزاری باید بیان داشت که هیچ معیار داخلی بین‌المللی برای تربیت کودک وجود ندارد و در قوانین داخلی تنها به حد متعارف بودن تنبیه اشاره شده است و در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین جزایی نیز در مورد اینکه منظور از متعارف بودن چیست و مرجع تشخیص آن چه کسی است سکوت اختیار شده است. همین موضوعات باعث شده تا گاهی مرزی بین کودک‌آزاری و تنبیه بدنی وجود نداشته باشد و والدین اقدامات مجرمانه خود علیه فرزندان خود را که مصداق بارزی از کودک‌آزاری هستند به عنوان تنبیه متعارف و از علل موجهه قانونی قلمداد نمایند.

در این پژوهش برای تبیین دقیق مرز بین تنبیه بدنی متعارف و کودک‌آزاری ابتدا به مفهوم‌شناسی برخی از واژگان کلیدی و ذکر یک نمونه از آرای قضایی می‌پردازیم، سپس به تحلیل حقوقی تنبیه بدنی پرداخته و در آخر از منظر جرم‌شناختی، انواع کودک‌آزاری و علل و عوامل آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف: مفهوم‌شناسی

۱- تنبیه: در لغت، یک مصدر متعدی از واژگان زبان عربی است و به معنی بیدار کردن و هوشیار ساختن میباشد و در اصطلاح به عملی گفته می‌شود که لازمه آن آگاه و هوشیار کردن باشد و به سه معنا به کار می‌رود (ابوالقاسمی و داودی، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

۲- تنبیه بدنی یا کتک زدن: گاهی مراد از تنبیه به همین معناست که ما آن را تنبیه به معنای اخص می‌گوییم. روشن است که طبق معنای اول، تنبیه طیف وسیعی را در بر می‌گیرد که عبارت است از: تغافل، بی‌اعتنایی، تهدید، تحقیر، سرزنش، تمسخر، محروم سازی، جریمه، جبران، تغییر چهره، روی برگرداندن و تنبیه بدنی. اما بر طبق معنای دوم، تنبیه دیگر شامل تغافل، اعتنایی، بی‌محروم‌سازی و به عبارت دیگر، حذف تقویت مثبت نمی‌شود آنچه از میان این معنایی سه گانه مورد تردید و بحث واقع شده است، قسم سوم یا تنبیه به معنای اخص است (حسینی زاده، ۱۳۷۷: ۲۵).

۳- طفل یا کودک: طفل در لغت به بچه انسان، پیش از بلوغ یا انسان نابالغ گفته می‌شود اما در اصطلاح روانشناسی، طفولیت در برگیرنده دورانی است که از او ان خردسالی شروع و در زمانی که فرد، واجد شخصیت اجتماعی می‌شود و از لحاظ جسمی و روانی نضج می‌گیرد، پایان می‌یابد (براهنی، ۱۳۷۳: ۴۱). به طور کلی، طفل یا کودک به فردی اطلاق می‌گردد که بالغ نشده باشد (آقایبگویی و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۴). همچنان‌که از نظر حقوقی، کسی است که به رشد و نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده است (عبادی، ۱۳۷۶: ۱۰). کنوانسیون حقوق کودک در تعریف کودک معیار سنی را لحاظ کرده است. بر اساس ماده یک این کنوانسیون، منظور از کودک، هر انسان کمتر از ۱۸ سال است، مگر اینکه طبق قانون سن کمتری برای اعمال در مورد کودک تعیین شده باشد. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانونگذار سن مسئولیت کیفری را از دفعی و شناسنامه‌ای به تدریجی تغییر داده و بین بلوغ عقلی و جسمی تفکیک قائل شده است و گروه‌های سنی را به، تا ۹ سال، تا ۱۲ سال، ۱۲ تا ۱۵ سال، ۱۵ تا ۱۸ سال تقسیم شده‌اند.

۴- کودک‌آزاری: کودک‌آزادی عبارت است از هرگونه صدمه و آزار جسمی، روحی و یا اخلاقی کودکان یا نوجوانان که بر خلاف قانون بوده، سلامت جسمانی یا روانی ایشان را به خطر اندازد (طارمی، ۱۳۸۸: ۲۴). ماده دوم قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱) در تعریف گونه‌ای از کودک‌آزادی می‌گوید: «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد، ممنوع است. «تنبیه‌بدنی یک نوع کودک‌آزاری و خشونت در خانواده است که موجب نقض حقوق کودک می‌شود و دارای اثرات سوء کوتاه مدت و بلند مدت بر روح و جسم کودک می‌باشد (لوپز، ۲۰۰۰: ۶۷).

ب: نمونه رای قضایی

۱- چکیده رای

پدر طفل هم می‌تواند متهم در جرم کودک‌آزاری باشد.

۲- رای بدوی

در خصوص اتهام انتسابی به ح. فرزند ذ. دایر بر ارتکاب بزه کودک‌آزاری نسبت به فرزندش به نام س. ۹ [ساله] موضوع شکایت مادر طفل به نام ف. فرزند و. نظر به مفاد کیفرخواست صادره از شعبه ۶ دادیاری دادرای ناحیه ۱۴ تهران و ملاحظه محتویات پرونده، شکایت شکایه گزارش مرجع انتظامی تهران اظهارات مجنی علیه، گواهی پزشکی قانونی، کیفیت اظهارات و مدافعات متهم و سایر قرائن و امارات منعکسه در پرونده بزه انتسابی را محرز و مسلم دانسته؛ علی‌هذا دادگاه به استناد مواد ۴ و ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و ماده ۴۸۴ ق. م. اسلامی و ماده ۴۷ همان قانون و به شرح ذیل در مورد مجرم مبادرت به تعیین کیفر می‌نماید: الف - از جهت ارتکاب جرم کودک‌آزاری به پرداخت

مبلغ ۱۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم می‌شود. توضیحاً مجرم فاقد سابقه کیفری است. ب - ایضاً مجرم محکوم است دیه صدمه بدنی وارده به س.ک. به میزان ۱/۵ هزارم دیه کامل انسان از بابت ایراد کیفری در ناحیه ساق پای راست وی تأدیه نماید. رأی دادگاه حضوری و ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر است.

۳- رای دادگاه تجدید نظر

در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای ح. نسبت به دادنامه شماره ۱۸۵ مورخ ۹۱/۲/۲۶ صادره از شعبه ۱۱۲۸ دادگاه عمومی تهران که به موجب آن تجدیدنظرخواه به اتهام کودک‌آزاری به پرداخت مبلغ یک میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت و پرداخت دیه به شرح دادنامه محکوم گردیده است علی‌هذا در خصوص پرداخت دیه به میزان دیه که کمتر از خمس دیه کامل می‌باشد و دادنامه بدوی در این خصوص قطعی بوده لذا مستنداً به بند دال ماده ۲۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری قرار رد اعتراض صادر می‌گردد و در خصوص کودک‌آزاری با توجه به محتویات پرونده و مفاد لایحه تجدیدنظرخواهی نظر به اینکه بزه منتسبه حسب اوراق و مندرجات پرونده و دلایل منعکس در رأی محرز بوده و ایراد و اعتراض موجه و مؤثری که موجبات نقض و بی‌اعتباری دادنامه معترض‌عنه را ایجاد نماید ابراز و اقامه نشده و از حیث رعایت تشریفات قانونی و مبانی استنباط و توجه به مستندات فاقد اشکال می‌باشد لذا با رد اعتراض به استناد بند الف ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری دادنامه تجدیدنظرخواسته تأیید می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

پ: تحلیل حقوقی کودک‌آزاری توسط والدین با توجه به رای ذکر شده

همانطور که در دادنامه نیز آمده، پدر نیز می‌تواند به عنوان کودک‌آزار تلقی شده و به مجازات پیش‌بینی شده در قوانین محکوم شود. بنابراین والدین هر چند از منظر قانونی در صورت تنبیه متعارف معاف از مجازات هستند اما در صورت تخلف از حد متعارف ممکن است مرتکب جرایم متعددی شده و مجازات شوند.

خشونت علیه کودکان این‌گونه تعریف شده است؛ «... هرگونه رفتاری که به تمامیت جسمانی، روانی، رشد فردی و اجتماعی و یا شأن انسانی کودک لطمه‌ای وارد آورد» (ایروانیان، ۱۳۸۹: ۵۵). در جرم‌شناسی یکی از معیارهای اصلی طبقه‌بندی در بزه‌شناسی، آسیب‌پذیری به اعتبار سن فرد می‌باشد. نتیجه‌ی مثبت این معیار، دگرگونی نگرش‌ها در چگونگی برخورد با بزه‌کاری کودکان است که به پیدایش شاخه‌ی جدیدی به نام سیاست جنایی افتراقی در مورد کودکان انجامیده است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۵). این گرایش نو به دنبال اجرای تدابیر ویژه نسبت به کودکان و نوجوانان است، تدابیری که با داشتن ویژگی‌های آموزشی - پرورشی، به حمایت از این قشر آسیب‌پذیر در برابر کژروی و بزهکاری می‌پردازد. همسو با این تحولات، مقررات بین‌المللی در اسناد الزام‌آوری مانند کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌های عضو را متعهد می‌سازد که همه اقداماتی را که برای تسریع بهبودی بدنی و روانی کودک بزه‌دیده لازم است به کار بندند. دولت جمهوری اسلامی با الحاق به این کنوانسیون، در زمینه حمایت از کودکان گام‌هایی برداشته که بیشتر در سطح سیاست جنایی تقنینی و در چارچوب حمایت‌های کیفری جلوه دارد (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۰: ۱۱۹). حد تنبیه و تأدیب کودکان توسط والدین چه در قانون مجازات اسلامی و چه در قانون مدنی معین و مشخص نیست، حال آنکه که قانون مدنی در مبحث تربیت و نگهداری اطفال در مواردی دست والدین و سرپرستان را برای تربیت کودک باز گذاشته که اکثر نمونه‌های آزار کودکان از همین موارد ناشی می‌شود. از جمله در ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، آنگونه که؛ نگهداری و تربیت اطفال را هم حق و هم تکلیف ابویین می‌داند و ماده ۱۱۷۷ که اظهار می‌دارد؛ طفل باید مطیع ابویین خود بوده و... از مصادیق قانونی تسلط بر کودک و مجوزی قانونی برای ایداء کودکان و نوجوانان است، یا ماده ۱۱۷۹ قانون مذکور که تنبیه طفل را در صورتی که خارج از حدود تأدیب نباشد حق ابویین اعلام کرده است که خود، جای بسی بحث و مجادله دارد. مسئله اساسی اینکه مقنن در این ماده اولاً؛ کمتر به روحیات

کودکان توجه داشته و جنبه حمایتی آن بیشتر در جهت تربیت اجتماعی کودک بوده، ثانیاً؛ این ماده و مواد دیگر سعی بر محدود کردن والدین و تأدیب‌کنندگان داشته اما با آوردن عبارت «خارج از حد» و «حدود متعارف»، نه تنها حدود مجاز تنبیه را مشخص نکرده بلکه نوع و میزان تأدیب و تربیتی که کودک به آن نیاز دارد را نیز مشخص ننموده است تا بتوان خارج از حدود آن را تشخیص داد و این موارد همواره ابزاری کارآمد در دست والدین و سرپرستان کودکان بوده تا کودکان خود را مورد آزارهای جسمی، جنسی و روحی قرار دهند. این در حالی است که عین همین مواد در قوانین کیفری نیز تکرار شده که جنبه حمایتی آن نسبت به اطفال کمتر رعایت شده است. به عنوان نمونه؛ به موجب بند ت ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها انجام شود مشروط به اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف، تأدیب و محافظت باشد قابل مجازات نیست.

در آخرین اراده قانون‌گذار یعنی در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ به نظر می‌رسد قانون‌گذار حد تنبیه را به استمرار خشونت پیوند زده و در بند ج ماده ۳ این قانون یکی از مصادیقی که طفل یا نوجوان را در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار می‌دهد و وضعیت مخاطره آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود را «خشونت مستمر والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی و یا سایر اعضای خانواده نسبت به یکدیگر» بیان کرده است. بنابراین در خصوص کودک‌آزاری در درون خانواده، حقوق کیفری ایران، همچنان با خلأ قانونی مواجه است. این امر در حالی است که قانونگذار در قوانین کیفری با جرم‌انگاری ترک انفاق کودکان در راستای ممانعت از بزه‌دیدگی جسمانی اطفال در حقوق جزای ایران، اقدام مثبتی انجام داده است لیکن موارد دیگر کودک‌آزاری علیرغم آنکه تحقیقات و آمار نشان داده که اغلب در داخل خانواده و بر اثر خشونت‌های خانگی رخ می‌دهد، مورد بی‌توجهی قانونگذار واقع شده است. در تحقیقاتی که در زمینه خشونت علیه کودکان انجام گرفته به خصوص در ایران، به نظریه‌هایی که خشونت را نتیجه تعاملات آشفته و مشکل ساز می‌دانند کمتر توجه شده است. گاه، روابط درون خانوادگی و به ویژه تعاملات آشفته و خارج از قاعده میان والدین، موجب بروز و افزایش خشونت علیه کودکان می‌گردد (سلمان‌پور، ۱۳۹۳: ۹۴-۹۳).

در باب خشونت والدین در حق کودک به عقیده برخی از فقها به استناد قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» چنانچه حاکم اسلامی بداند که هیچ عملی جز تعزیر بازدارنده مجرم نخواهد بود، جایز نیست آن را ترک کند (طوسی، ۱۴۰۷هـ، ج ۵: ۴۹۷). همچنین بر حاکم شرع لازم است مجرم را با وسیله‌ای ادب کند که وی و دیگران را از ایجاد اختلال در واجب الهی بازدارد و آن‌ها را به سوی انجام واجبات هدایت نماید (مؤمن قمی سبزواری، ۱۴۲۱هـ: ۵۹۷). بنابراین می‌توان گفت به مقتضای قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» و محدوده اختیارات حاکم در جرایم تعزیری، هر گاه ثابت شود که والدین یا هر کس که مسئولیت نگهداری از کودک به وی سپرده شده است، از حدود اختیارات خود تجاوز کرده است، حاکم می‌تواند بر مبنای این قاعده هرگونه مجازات را که جنبه حمایت از کودک داشته باشد، برای متخلف صادر کند. جرم‌انگاری ماده ۶۳۳ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ در باب رها کردن کودک و تشدید مجازات مندرج در ماده ۵۹۶ قانون مزبور، در باب سوءاستفاده از ضعف نفس اشخاص بر همین اساس است. مطابق ماده ۵۹۶ سوءاستفاده از افراد غیررشید برای تحصیل اسناد تجاری و غیرتجاری که منجر به ورود ضرر به این افراد گردد، جرم‌انگاری شده و در پایان ماده برای ولی، قیم و وصی این اشخاص تشدید مجازات در نظر گرفته شده است که این امر اهتمام قانونگذار به عدم ورود ضرر به کودک از جانب افرادی است که عموماً حاضن کودک به حساب می‌آیند. در نتیجه مشهود است که قانونگذار برخی از موارد ورود ضرر به کودک و عدم جلب منفعت وی را جهت قابل تأملی برای تعیین مجازات‌های تعزیری در نظر گرفته است (شریفی، ۱۳۹۳: ۱۸۱-۱۸۰).

با توجه به موارد یاد شده خشونت اعم از اینکه علیه زوجه یا کودکان در خانه ارتکاب یافته باشد باید مورد توجه خاص قانون‌گذار قرار گرفته و با سیاست جنایی عمومی مقنن متفاوت باشد چون ارتکاب این قبیل جرایم، موجب سست شدن پایه‌های خانواده شده و روابط حسنه و متکی به علاقه و عواطف را از بین می‌برد و در آخر منجر به از بین رفتن نظم حاکم بر خانواده شده و تحکیم خانواده را ضعیف و متلاشی می‌کند. لذا نیازمند سیاست جنایی افتراقی بوده و لازم است مقنن تدابیر لازم را برای جرم‌انگاری در این حوزه بکار گیرد. به عنوان نکته آخر در خصوص تفکیک خشونت و کودک‌آزاری از تنبیه متعارف در ادامه به تبیین برخی از شرایطی که مقنن برای تنبیه در نظر گرفته را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

اولاً؛ تنبیه تنها در خصوص صغار و مجانین امکان اعمال دارد؛ مشخص است که تنبیه برای بزرگسالان نبوده و تنها برای اشخاصی است که رابطه خونی و نسبی داشته و امکان تشخیص خوب و بد را از هم ندارند و یا به رشد کامل نرسیده‌اند و نمی‌توانند در مسائل متعدد از جمله در مسائل مالی خود تصمیم بگیرند. لذا تنها صغار و مجانین در این گروه قرار می‌گیرند.

ثانیاً؛ باید از سوی والدین، اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین باشد؛ با توجه به لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌های فارسی، فرزند به محصول تولید مثل والدین گفته می‌شود و می‌تواند فرزند پسر یا فرزند دختر باشد. از نظر حقوقی نیز فرزند به کسی اطلاق می‌شود که با والدین خود رابطه خونی و نسبی داشته باشد. اگر تولد کودک ناشی از رابطه مشروع و قانونی والدین یعنی عقد نکاح باشد «فرزند قانونی» است در غیر این صورت «فرزند طبیعی» یا «نوزاد نامشروع» خوانده می‌شود. بنابراین فرزند اعم از مشروع یا نامشروع^۱، می‌باشد و فرزندگی که از راه وطی به شبهه نیز متولد شده است مشمول حکم این ماده است. منظور از والدین با عنایت به آنچه که در قانون حمایت از خانواده و قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست مصوب ۱۳۹۲ آمده، پدر و مادر هستند؛ بنابراین با این لفظ ناپدری و نامادری، از شمول این ماده خارج می‌شوند. منظور از اولیای قانونی، پدر و جدپدری و وصی منصوب از طرف آنهاست. در یکی از نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه آمده است که منظور از سرپرست، قیم است. مراد از سرپرستان، زن و شوهرانی هستند که با توافق یکدیگر، کودکی را با تصویب دادگاه و به موجب قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۹۲ به سرپرستی پذیرفته‌اند.

ثالثاً؛ تنبیه متعارف باشد؛ سومین شرط متعارف بودن تنبیه است. در مورد مفهوم تنبیه بدنی نظریه مشورتی ۷/۲۸۵۴-۱۳۷۰/۶/۳۱-۱ اداره حقوقی قوه قضاییه بیان می‌دارد: «منظور از تنبیه بدنی طفل، تنبیهی است که موجب تغییر رنگ پوست نشود» (اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۸۳: ۱۷۸). با توجه به عدم تعیین مصادیق متعارف در قانون، برای تشخیص متعارف بودن باید به عرف مراجعه شود. از نظر عرفی؛ ضابطه متعارف بودن با توجه به ماهیت رفتار تنبیه کننده، مدت زمان اعمال تنبیه، آثار فیزیکی رفتار، سن و خصوصیات تنبیه شونده متفاوت خواهد بود. لذا با توجه به عرف‌های متعدد در کشور ما، امکان اینکه آرای متفاوتی صادر شود وجود دارد. متأسفانه در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز در خصوص مصادیق متعارف بودن تنبیه بحثی نشده و حتی با توجه به تعریفی که از «سوءرفتار» در بند ت ماده یک ذکر شده، بر ابهامات در این خصوص افزوده است. در این قانون و در تعریف سوء رفتار چنین آمده است: «سوء رفتار: هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد؛ از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوءاستفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان در صورتی که جنبه تأدیبی نداشته باشد یا قراردادن او در شرایط سخت و غیرمتعارف و یا خودداری از کمک به وی».

^۱ - طبق رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۶/۴، نسب فرزند نامشروع به رسمیت شناخته شده است.

با توجه به این تعریف می‌شود نتیجه گرفت که وضعیت بدتر نیز شده است چون با توجه به مفهوم مخالف این ماده اگر ضرب و جرح، محبوس کردن، سوءاستفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان جنبه تنبیهی داشته باشد سوءرفتار تلقی نخواهد شد!

ت: تحلیل فقهی تنبیه و تفکیک آن از کودک‌آزاری

در همین زمینه و برای تبیین نگاه اسلام به نحوه تربیت کودکان و حق پدر و مادر در تنبیه کودکان برای جلوگیری از رفتار ناشایست آنها و همچنین حق کودک به عنوان یک انسان که باید شخصیتش مورد توجه قرار گیرد، نظرات چند تن از آیات عظام را در خصوص جواز یا عدم جواز تنبیه فرزندان مورد سوال قرار داده و پاسخ آنها را بیان می‌کنیم البته لازم به توضیح است که این استعلام مربوط به زمان قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بوده ولی با توجه به عدم تغییر اساسی در این خصوص در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در حال حاضر نیز می‌توان به این نظرات استناد کرد:

سوال: «طبق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی، اطفال نابالغ از مسوولیت کیفری مبرا هستند (در حال حاضر ماده ۱۴۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲)^۱ یعنی مورد تنبیه و مجازات قرار نمی‌گیرند و طبق تبصره ۲ همین ماده هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بایستی به میزان و مصلحت باشد (در حال حاضر بند ت ماده ۱۵۸ ق.م.ا. ۱۳۹۲)^۲. طبق نظر برخی از صاحب‌نظران حقوقی این ماده قانونی اعمال خشونت بر کودک را مجاز دانسته است. با توجه به آن که دین مبین اسلام همواره بر رفتار محبت‌آمیز با کودکان تاکید دارد و فرزندان را امانت‌هایی نزد والدین توصیف کرده است، نظر حضرت‌عالی در خصوص اعمال تنبیه بدنی کودکان چیست و آیا اعمال تنبیه بدنی، شخصیت انسانی کودکان را زیر سوال نمی‌برند؟ هم‌چنین بفرمایید تنبیه کودکان به میزان و مصلحت در شرع چه مفهومی دارد؟»

۱- پاسخ آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی

«باسمه تعالی، تنبیه بدنی کودکان در عصر و زمان ما عوارض و پیامدهای نامطلوبی دارد و لذا حتی‌الامکان باید از آن صرف‌نظر کرد و از طرق دیگر، نظیر تشویق‌ها یا محرومیت از برخی امکانات و مسافرت‌ها و تفریحات با آنها برخورد کرد.»

۲- پاسخ آیت‌الله العظمی صانعی

«بسمه تعالی، جواب سوال علاوه بر روشن بودنش از خود سوال هم معلوم می‌باشد؛ چون هیچ شرع و قانونی چه رسد به شرع مقدس اسلام که دینی الهی است، آزار انسان‌ها چه رسد به کودکان مظلوم و بی‌پناه آن هم در محیط بسته خانه را اجازه نداده و نمی‌دهد و عقل و نقل و همه علما و فقها اجمالا آن را حرام و معصیت و گناه و ظلم و ایذاء می‌دانند و ناگفته نماند که به حکم اطلاق ادله حرمت ظلم و اذیت فرقی بین ایذاء جسمی و روحی نمی‌باشد و هر دوی آنها حرام است و مرتکبش به علاوه از ضمان و لزوم جبران خسارت و ضرر وارده به کودک همانند ضرر به دیگران مستحق تعزیر هم می‌باشد. پس آزار کودکان از طرف والدین جایز نبوده و نیست و کودک‌آزاری از طرف آنها در شرع مقدس حرام و معصیت می‌باشد بلکه عمده و غالب انواعش - اگر نگوئیم همه‌اش - از معاصی کبیره است.

این بود بیان حکم کلی مساله اما راجع به رفع معضل مفروض در سوال راهکار جلوگیری از آن مانند راهکار جلوگیری از ظلم به دیگران در اسلام پیش‌بینی شده و بر همگان مخصوصا دولت‌مردان قانون‌گذاری و اجرا، تشکیل محاکم جلوگیری از ایذاء و به فریاد چنان مظلومان بی‌پناه

^۱ - ماده ۱۴۶ - افراد نابالغ مسوولیت کیفری ندارند.

^۲ ماده ۱۵۸ - علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست:

الف-..... ب-..... پ-.... ت- اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد.

رسیدن واجب شرعی و عقلی است بلکه بر آن‌ها به‌علاوه از تکلیف یک حق هم می‌باشد چون هر مظلومی بر حکومت حق رفع ظلم از خودش دارد و حکومت باید جلوی هرگونه ایذاء و اذیت را گرفته و عدالت را اجرا نماید و مساله حمایت قاعدتا همان حضانت و سرپرستی و تربیت کودک و حفظ بدن و روح و جان او می‌باشد که به پدر و مادر واجب شده است آری در راستای ادب و تربیت کودکان از طرف آن‌ها تنها زدن حداکثر تا پنج ضربه و یا شش ضربه نه زیاده‌تر آن هم با انحصار راه تربیت به آن و در مسیر جلوگیری از فساد اخلاقی و ارتکاب کارهای ناشایست و به شرط این که ضربه به طور سخت و موجب زخم شدن و یا تغییر رنگ پوست نباشد اجازه داده شده و ناگفته نماند با آن‌که امروز تربیت اولاد و رشد استعدادهای آنان، خود رشته بسیار با اهمیت و دارای علما و متخصصین می‌باشد نیاز به تنبیه بدنی - کودک‌آزاری که معمولا مانع از تربیت و رشد استعدادهاست - بسیار نادر بوده و هست و بر همه قدرت‌های تبلیغی و فرهنگی است که راه‌های احسن تربیت و ادب و فرهنگ را تبلیغ نموده تا طبعاً پدران و مادران مهربان و همه مربیان از آن راه‌ها استفاده کنند و راه کودک‌آزاری مسدود گردد و باید همگان را به سیره رسول گرامی اسلام (ص) در جلوگیری از تربیت و ادب در هنگام غضب و خشم متوجه ساخته تا ادب و تربیت همراه با عاطفه و حاکمیت عقل و علم و خرد انجام گیرد؛ چرا که حالت خشم و غضب در هنگام تربیت و ادب همه جهات عقلانی و انسانی تربیت را مستور نموده و پرده حجاب سخت و آهنینی بر روی همه آن‌ها قرار می‌دهد که نعوذبالله منه امید است که با فرهنگ‌سازی هرچه بیشتر و اصلاح در قوانین حمایت از کودکان و بررسی مجدد قوانین مجازات و تعزیرها با توجه به شرایط اجتماعی، زمان‌ها و مکان‌ها در جهت پیشگیری از پدیده‌ی کودک‌آزاری دیگر شاهد این پدیده‌ی شوم نباشیم».

۳- پاسخ آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی

«باسمه تعالی، تنبیه بدنی مناسب کودکان در بزهکاری با شخصیت آن‌ها منافات ندارد بلکه موجب ساختن شخصیت آنان می‌شود و به همین جهت است که باید با صلاح‌دید حاکم شرع باشد تا در میزان و مقدار آن افراط و تفریط نباشد».

۴- پاسخ آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی

«بسم الله الرحمن الرحیم، تأدیب فرزندان بر پدر لازم است لکن در حدودی که شارع مقدس اجازه داده و دستور شرع به اتفاق همه مراجع تقلید دامت برکاتهم این است که تنبیه باید به نحوی باشد که موجب دیه نشود».

۵- پاسخ آیت‌الله العظمی نوری همدانی

بسمه تعالی، بعد از سلام در فرض سوال آن‌چه را که اسلام در موارد خاص خودش تجویز فرموده تأدیب است و با شرایط آن انجام می‌گیرد و خشونت به حساب نمی‌آید بلکه یک نوع برنامه‌ی بازدارنده است که واقعا در جهت اصلاح امر طفل می‌باشد و لذا آن را کاملا محدود کرده است که از آن نباید تجاوز بکنند».

ث: تحلیل جرم‌شناختی کودک‌آزاری

کودکان سرمایه‌های مهم و ارزشمند هر جامعه محسوب می‌شوند و از آنجایی که تربیت و اصلاح آن‌ها بسیار هائز اهمیت می‌باشد، تلاش والدین به سوی تربیت صحیح فرزندان معطوف شده است. از آنجایی که در برخی موارد مشاهده می‌شود والدین برای تربیت فرزندان خود از حدود و مرز قانونی خود تجاوز کرده و دست به تنبیه بدنی و کودک‌آزاری می‌زنند و کودک دچار آسیب‌های روحی و روانی شدیدی شده، که نه تنها باعث تربیت و اصلاح کودک نشده بلکه در آینده عوارض ناگواری مانند خشونت، افسردگی، بیماری‌های روانی و روحی زیادی بر کودک دارد که جبران ناپذیر است. بسیاری از مطالعات جرم‌شناسی نشان داده‌اند که کودک بزه‌دیده امروز، نوجوان یا جوان بزهکار فردا خواهد بود صاحب نظران، افزایش آزار و اذیت کودکان را تابعی از افزایش نرخ خشونت در جامعه و رفتار جمعی از جمله در خانواده دانسته‌اند.

از نظر اساتید حوزه جرم‌شناسی و بر مبنای رویکرد ارائه شده توسط سازمان بهداشت جهانی، کودک‌آزاری تحت چهار محور زیر قابل تحقق است:

۱- کودک‌آزاری جسمی: در تعریف کودک‌آزاری جسمی، همانند تعریف خود کودک‌آزاری، نظر واحدی وجود ندارد، مسائلی نظیر قوانین و مقررات حقوقی مربوط به بزه‌دیدگی اطفال، ارزش‌های فرهنگی خصوصاً در زمینه تربیت و تنبیه و معیارهای مقبول اجتماعی تأثیرگذارند. بنا بر یکی از تعاریف، کودک‌آزاری جسمی عبارت است از حمله فیزیکی به کودک به گونه‌ای که موجب درد، بریدگی، کبودی، شکستگی استخوان و سایر جراحات و حتی مرگ کودک شود. از نظر میزان ارتکاب، آزار جسمی را می‌توان بعد از غفلت و بی‌توجهی یکی از شایع‌ترین شیوه‌های آزار کودکان به شمار آورد. برخی از مصادیق آزار جسمی عبارتند از شلاق زدن، ضربه زدن، لگد زدن، سوزاندن، پرت کردن و هل دادن، خفه کردن، گاز گرفتن و امثال آن. آزار جسمی ممکن است به سلب حیات کودک و یا معلولیت و نقص عضو دائم وی منجر گردد.

۲- کودک‌آزاری عاطفی: کودک‌آزاری عاطفی عبارت از هر نوع کوتاهی و سهل‌انگاری در رفتار اشخاصی است که به نحوی با سلامت روانی و عاطفی و همچنین اجتماعی کردن کودک سر و کار دارند. سوء استفاده عاطفی یا روحی شامل هر گونه آزار شفاهی شامل توهین، انتقاد، تمسخر، تحقیر، تقاضای غیرمعمول از کودک و خارج از توان اوست. به‌طور کلی، ناتوانی یا غافل ماندن والدین از توجه و رسیدگی به نیازهای هیجانی و عاطفی کودک مسامحه عاطفی نامیده می‌شود. کودک‌آزاری عاطفی به معنای قصور در فراهم نمودن محیط حمایتی مناسب برای رشد می‌باشد. چنین محیطی شامل مجموعه تعلقات و وابستگی‌های ابتدایی می‌شود که بر مبنای آن‌ها کودک این امکان را کسب می‌نماید تا شایستگی‌های عاطفی و اجتماعی‌اش را متناسب با استعدادها و توانایی‌های بالقوه خود، در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، بروز دهد. رفتارهایی که نسبت به کودک صورت می‌گیرد و منجر به ورود آسیب به سلامت و رشد جسمی و روانی، روحی و اخلاقی یا اجتماعی او می‌گردد یا احتمال بروز چنین آسیب‌هایی را ایجاد می‌نمایند، در زمره آزار عاطفی قرار می‌گیرند. این رفتارها باید در حوزه کنترل والدین و یا اشخاصی که مسئولیت و یا اختیار کودک را بر عهده‌دارند، انجام پذیرد. چنین اقداماتی شامل انکار طفل، محدودیت در حرکت، تحقیر، سرزنش، تهدید، ترساندن، استهزا کردن، یا دیگر آسیب‌های غیر جسمی از رفتارهای خصمانه و تبعیض‌آمیز می‌شود.

۳- کودک‌آزاری جنسی: یکی دیگر از انواع کودک‌آزاری، کودک‌آزاری جنسی است که بسیاری از مصادیق آن در قانون مجازات اسلامی ذکر شده است. مانند لواط، زنا، تقبیل، قوادی، سوء استفاده جنسی؛ نظیر تهیه تصویر مستهجن از کودکان، تشویق و راهنمایی به فحشا، فریب کودک دختر و ازدواج با او. 2 در ضمن برخی از جرایم دیگر از قبیل هرزه‌گری کودکان، تشویق کودکان به هرزه‌گری و فحشا و جرایمی از این قبیل نیز قانون مجازات جرایم رایانه‌ای در مواد ۱۳ و ۱۴ جرم شناخته خواهد شد. نامرئی‌ترین نوع آزار کودکان را می‌توان آزار جنسی دانست که به سبب طبیعت این رفتار شنیع، کمتر آشکار می‌شود و جزء رقم سیاه یا بخش تاریک بزه‌کاری علیه اطفال قرار می‌گیرد و عمدتاً از طریق کلینیک‌ها، بیمارستان‌ها، مراجع قضایی یا آژانس‌های مددکاری اجتماعی گزارش می‌شوند (گلن، ۱۹۸۴: ۵۰۱-۴۹۵). آنچه به عنوان آزار جنسی کودکان مطرح می‌شود، ممکن است توسط اعضای خانواده یا بیگانه انجام پذیرد. کودک‌آزاری جنسی وقتی محقق می‌شود که رابطه جنسی بین طفل و یک یا چند بزرگسال یا بین دو طفل برقرار شود، به گونه‌ای که فاعل به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای بزرگتر از قربانی باشد یا موضع و موقعیت قویتر و بالاتری نسبت به قربانی داشته باشد (والتر، ۱۹۷۶: ۹۹).

۴- کودک‌آزاری مبتنی بر غفلت و بی‌مبالاتی: بی‌توجهی و کوتاهی در فراهم نمودن لوازم رشد کودک در کلیه حوزه‌های سلامتی (بهداشت)، آموزش، رشد عاطفی، تغذیه، مسکن و شرایط زندگی امن در حیطه منابعی که در اختیار والدین قرار دارد و منجر به بروز آسیب به سلامتی یا رشد جسمی، روحی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی کودک می‌گردد و همچنین قصور در نگهداری و مواظبت کامل و حمایت از کودکان در برابر

آسیب‌ها تا جایی که امکان‌پذیر است، کودک‌آزاری مبتنی بر غفلت و بی‌مبالاتی محسوب می‌شود. بر خلاف سایر اشکال کودک‌آزاری که از لحاظ نظری، امکان ارتکاب آن‌ها از سوی سایر اشخاص غیر از والدین نیز توسط والدین و سایر سرپرستان قانونی قابل ارتکاب است. چرا که متصور بود این‌گونه از کودک‌آزاری صرفاً قصور در نگهداری کودک و تأمین نیازهای وی تنها تحت شرایطی امکان‌پذیر است که اشخاص مرتکب، مسئولیت نگهداری و یا تأمین نیازهای طفل را بر عهده داشته باشند.

۵- کودک‌آزاری روانی: از مصادیق تصریح شده کودک‌آزاری روانی، توهین و کذب کودک است همچنین می‌توان به عدم تحویل کودک به سرپرست قانونی (ماده ۶۳۲)، رهاکردن کودک (ماده ۶۳۳)، ربودن نوزاد (ماده ۶۳۱)، مزاحمت و تعرض در اماکن عمومی (۶۱۹). البته مواردی نیز وجود دارد که چنان‌چه بزه‌دیده کودک باشد، مجازات مجرم تشدید خواهد شد، مانند جرم آدم‌ربایی (ماده ۶۲۱).

۶- کودک‌آزاری ناشی از ترک فعل: در این موارد برگزیده ترک فعل‌هایی است که منجر به مخاطره افتادن سلامت جسمانی و روانی کودک می‌گردد، که در برخی قوانین به صراحت بدان اشاره و جرم تلقی شده است، از جمله مصادیق ذکر شده در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، نادیده گرفتن عمدی سلامت، بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل کودکان و نوجوانان را ممنوع دانسته و مستحق مجازات می‌داند. از دیگر مصادیق این نوع از کودک‌آزاری، ترک انفاق کودک تحت تکفل در صورت استطاعت مالی است (ماده ۶۴۲ ق.م.ا).

۷- کودک‌آزاری ناشی از بهره‌گیری خلاف: در این نوع کودک‌آزاری، گرچه ممکن است، اعمال انجام شده سلامت کودک را به مخاطره نیندازند، ولی به هر حال سوء استفاده از کودک بوده، برخلاف مصلحت او است و چنین اعمالی نیز از سوی قانونگذار جرم تلقی شده و مجازات در پی دارد. در قانون مجازات اسلامی، جرم بهره‌کشی از کودکان در اعمال خلاف، در مصادیق خاصی، چون تکدی‌گری با مجازات شدیدتری مواجه است. ماده ۷۱۳ این قانون می‌گوید: هر کس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد... به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است، محکوم خواهد شد. از سوی دیگر، بهره‌کشی در ارتکاب جرایم مواد مخدر نیز مجازات خاص خود را دارد (ماده ۱۸ قانون مبارزه با مواد مخدر). همچنین در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ به صورت خاص کار کشیدن از کودکان ممنون اعلام شده و بهره‌کشی اقتصادی از آن‌ها جرم‌انگاری شده است. در ماده ۱۵ قانون مزبور چنین مقرر شده است: «هر شخصی برخلاف مقررات قانون کار مرتکب بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان موضوع ماده (۲) این قانون شود، علاوه بر مجازات‌های مذکور در قانون کار به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی نیز محکوم می‌شود».

نتیجه‌گیری

تنبیه بیش از اندازه کودکان توسط والدین امروزه حساسیت جامعه‌شناسان، روانشناسان و فعالان حوزه حقوقی برانگیخته است و امروزه توجه زیادی به این امر شده است. امروزه موارد زیادی از کودک‌آزاری و تنبیه غیرقانونی کودکان مشاهده می‌شود که از سوی والدین به عنوان اصلاح و تربیت کودکان آن را توجیه می‌کنند. در بیشتر نقاط ایران و حتی در دیگر کشورها، تنبیه بدنی کودکان و حتی کتک زدن آن‌ها که گاه‌اوقات منجر به جراحت جدی می‌شود، هنوز هم به عنوان یک روش انضباطی در خانواده‌ها رایج بوده و قانون هم از آن حمایت می‌کند. در حقیقت تنبیه بدنی کودکان تنها شکل خشونت میان افراد است که بطور قانونی مجاز شمرده می‌شود، در حالی که حتی حملات جسمی کم‌اهمیت به بزرگسالان هم جرم محسوب می‌شود. مرجع تشخیص میزان و مصلحت بودن تنبیه، به عرف و آگازار شده که بدیهی است احتمال سوءاستفاده از این اختیار بیشتر خواهد شد (تنبیه بدنی نامشروع) به نظر نگارنده، ابهامی که در مفهوم «متعارف‌بودن» اقدام‌های مندرج در بند ۱۵۸ وجود دارد، بستر مناسبی برای آزار و اذیت اطفال و حتی شکنجه آنان فراهم می‌آورد. از آنجایی که مناطق مختلف کشور دارای

عرف یکسان و همگونی نیستند بلکه هر کدام دارای آداب و رسوم و عرف خاص خویش می‌باشند لذا اتخاذ چنین معیاری طبیعتاً باعث آراء و تصمیمات بعضاً متفاوت و متناقض در مورد جرم بودن یا نبودن اقدامات تربیتی والدین خواهد شد، به عبارتی ممکن است در یک منطقه عملی خاص را که از سوی والدین نسبت به فرزندان انجام گرفته است متعارف و در راستای تأدیب و تربیت فرزندان تلقی کند و بالعکس در نقطه‌ای دیگر از کشور آن اقدام را عملی نامتعارف و بعضاً مجرمانه بحساب آورند. بنابراین با توجه به عیوب و تبعاتی که اتخاذ معیار عرف دارد بنظر می‌رسد بهترین معیار «عدم تعلق دیه» باشد یعنی اقدامات تأدیبی و تربیتی والدین نسبت به فرزندان تا حدی مجاز باشد که موجب تعلق دیه نشود و این معیار با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها تا هنگامی که بشکل ماده قانونی در نیاید قابل اعمال نیست لذا جا دارد که قانونگذار در اصلاحات قانونی این معیار (عدم تعلق دیه) یا هر نوع معیار مضبوط و معلوم دیگری را مشخص و در قانون بگنجاند. واقعیت موجود در جامعه امروز ما نیز از رواج و گسترش «کودک آزاری» - به ویژه در خانواده‌هایی که در فقر فرهنگی به سر می‌برند - حکایت می‌کند. در سال‌های اخیر موارد زیادی از سوء رفتار والدین نسبت به فرزندان حتی قتل آن‌ها با فجیع‌ترین حالت در رسانه‌های گروهی گزارش شده و می‌شود که در واقع مصادیق بارز خشونت و اذیت و آزار و شکنجه بوده و از حد تنبیه و تأدیب بسیار فراتر رفته است، از منظر جرم‌شناختی به نظر می‌رسد عدم امکان قصاص پدر و جدپدری شرایطی را به وجود آورده است که آن‌ها با علم به قانون، از آن سوءاستفاده می‌کنند و بعد از مدت محدودی از حبس آزاد شده و زندگی خود را از سر می‌گیرند. بنابراین، واگذاری حد تأدیب به عرف (با توجه به عرف‌های گوناگون در جامعه ما) و عدم امکان قصاص پدر و جد پدری از جمله مواردی از سیاست جنایی تقنینی در ایران هستند که موجبات افزایش کودک‌آزاری و قتل آن‌ها را به همراه دارد لذا اصلاح چنین رویه‌ای می‌تواند موجبات پیشگیری کیفی از ارتکاب کودک‌آزاری و فرزندآزاری را کاهش دهد. در کنار پیشگیری کیفی، استفاده از سازکارهای پیشگیری وضعی و اجتماعی نظیر پیشگیری رشدمدار نیز از دیگر مواردی هستند که اعمال و بکارگیری آن‌ها از نظر جرم‌شناختی می‌تواند موثر واقع شود. بنابراین، تا آنجا که ممکن است برای تربیت کودک بهتر است به جای تنبیه از روش‌های دیگر تغییر و اصلاح رفتار، که برخی از آن‌ها به راحتی قابل انجام است، استفاده کرد. برای مثال، بی‌تفاوتی و بی‌توجهی به رفتار محروم کردن کودک از برخی امتیازات، صبر و تحمل رفتار نامطلوب و حل آن توسط زمان، تقویت رفتار ناهمساز با رفتار نامطلوب و انواع دیگر جانشین‌های تنبیه روش‌های مطلوب تغییر رفتار می‌باشند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

فهرست منابع

- آقا بیگلویی، ع.، و همکاران. (۱۳۸۰). کودک‌آزاری. تهران: انتشارات آوند دانش.
- ابوالقاسمی، ش.، و داودی، ت. (۱۳۸۹). تنبیه از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام. اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۲.
- براهنی، م. ت. (۱۳۷۳). لغت‌نامه روان‌شناسی. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- حسینی‌زاده، س. ع. (۱۳۷۷). تنبیه از دیدگاه اسلامی. فصلنامه حوزه و دانشگاه، ۱۵.

طارمی، م. (۱۳۸۸). علت‌شناسی پدیده کودک‌آزاری. پگاه حوزه، ۲۵۲.

عبادی، ش. (۱۳۷۶). حقوق کودک تطبیقی. تهران: انتشارات کانون.

Lopez Stewart, C., Lara, M. G., Amighetti, L. D., Wissow, L. S., Gutierrez, I., Levav, I., et al. (2000). Parenting and physical punishment: Primary care interventions in Latin America. *Revista Panamericana de Salud Pública*, 8(4), 257-267. <https://doi.org/10.1590/S1020-49892000001000004>

Kercher, G. A., & McShane, M. (1984). The prevalence of child sexual abuse victimization in an adult sample of Texas residents. *Child Abuse & Neglect*, 8(4), 495-501. [https://doi.org/10.1016/0145-2134\(84\)90011-1](https://doi.org/10.1016/0145-2134(84)90011-1)

Walters, D. R. (1976). *Physical and sexual abuse of children: Causes and treatment* (1st ed.). Bloomington, IN: Indiana University Press.